

آیا امپریالیستها خواهان رفتن جمهوری اسلامی هستند؟

امپریالیسم امریکا (به مثابه یکی از قدرتهای حامی جمهوری اسلامی در ۳۰ سال گذشته) که دارای منافع بیکران اقتصادی و سیاسی در ایران است تبدیل شده است. تا آنجا که به مواضع رسمی دولت آمریکا در مورد وقایع اخیر در ایران بازمی گردد مقامات دولت آمریکا پس از سکوت اولیه در قبال به خاک و خون کشیدن مردم توسط جمهوری اسلامی با زبانی دیپلماتیک "سرکوب" و "زیاده روی در سرکوب" حکومت بر علیه توده های به پاخاسته را محکوم و از آن ابراز "ناراضیتی" کردند. اکنون ۸ ماه بعد و پس از پیشرویهای این جنبش، واکنش دیپلماتیک مقامات آمریکایی، از این ابراز "نگرانی"ها در مورد "مشیت آهنین" مقامات جمهوری اسلامی در برخورد با تظاهرکنندگان در حوادث تظاهرات روز عاشورا فراتر نرفته است. اخبار فوق نیز پیش از هر چیز یکبار دیگر نشان می دهند که حفظ نظام جمهوری اسلامی حتی با وجود دولت منفور احمدی نژاد که همواره در تبلیغات ظاهری امپریالیستها دشمن "آزادی" و "دمکراسی"، مخالف ارزشهای دمکراتیک غرب" و "ناقص حقوق بشر و حامی تروریسم" و ... معرفی شده و برغم "شکاف بزرگ" در حاکمیت این رژیم،

صفحه ۲

فاسد جمهوری اسلامی در تشدید این بحران، بار عواقب نابود کننده آن نظیر بیکاری و فقر و گرسنگی و محرومیت را هر چه بیشتر بر دوش میلیونها تن از کارگران و توده های ستمدیده ما سرشکن کرده است. روزی نیست که خیری دال بر تعطیلی و ورشکستگی این یا آن کارخانه و واحد تولیدی و متعاقب آن بیکاری و خانه خرابی صد ها تن از کارگران رنج دیده و زحمتکش انتشار نیابد. واقعیتی که هر روز بیشتر از قبل خانواده های کارگری را به

صفحه ۳

بدنبال تظاهرات عظیم مردمی در ۶ دی ماه (عاشورا) و واکنش قدرتهای امپریالیستی به حوادث ایران، اخیرا روزنامه وال استریت ژورنال به نقل از یکی از مقامات بلند پایه وزارت خارجه آمریکا نوشته است که "از نظر دولت آمریکا، با وجود شکاف بزرگی که در حاکمیت ایران پدید آمده ، اما آمریکا بر این باور نیست که دولت احمدی نژاد سقوط خواهد کرد". در این حال برخی گزارشات دیگر که در ارتباط با "نگرانیهای" امریکا در مورد روند خیزش توده ای در ایران منتشر شده، حاکی از آنند که وزیر خارجه امریکا در جریان دیداری با "کارشناسان مسایل ایران" در واشنگتن، خواستار پاسخ آنان به این چالش شده است که چگونه دولت اواما می تواند "با دولت محمود احمدی نژاد در زمینه مسایل هسته ای به توافق احتمالی برسد که در عین حال این مصالحه احتمالی تاثیر منفی بر جنبش سبز در ایران نداشته باشد".

گزارشات فوق در حالی منتشر می گردد که در ماه های اخیر و بدنبال تداوم و اوج یابی جنبش توده ای بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، روند و چشم انداز احتمالی این جنبش به یکی از دغدغه های اصلی دول امپریالیستی و بویژه

جمهوری اسلامی و هراس از "بحران کارگری"

مقامات رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی به شدت از عواقب امنیتی و اجتماعی "بحران های کارگری" یعنی چشم انداز انفجار اعتراضات کارگری به وحشت افتاده اند. در همین ارتباط در اوایل دی ماه شورای تامین استان تهران در یک جلسه مشترک با رییس سازمان صنایع و معادن به بررسی "بحران کارگری" پیش رو در استان تهران پرداخته و نسبت

به عواقب "امنیتی" و "هزینه دار" آن اظهار نگرانی کرده است. این "نگرانی" که به نوبه خود منعکس کننده گوشه کوچکی از واقعیت دردناک حاکم بر زندگی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است، در شرایطی عنوان می گردد که رشد لجام گسیخته بحران اقتصادی گریبانگیر نظام سرمایه داری وابسته در ایران و سیاستهای ضد خلقی رژیم دزد و



آیا امپریالیستها خواهان... از صفحه ۱

همچنان اولویت اصلی آمریکا در مورد ایران را تشکیل می دهد.

بررسی این رفتار از سوی امپریالیستها و بویژه دولت آمریکا قبل از هر چیز بیانگر فریبکاری این قدرتها و دشمنی آنان با جنبش حق طلبانه مردم ماست. همه می دانند که در تبلیغات این قدرتها در ۳۰ سال گذشته، رژیم جمهوری اسلامی به مثابه "حامی تروریسم"، "منبع صدور بنیادگرایی اسلامی"، "ناقص حقوق بشر" و مسلح به "سلاح های کشتار دست جمعی" و کلا "خطری برای ثبات و امنیت" خاورمیانه معرفی شده؛ و ظاهراً مخالفت با این رژیم با شدت و ضعف متفاوت، همواره اساس سیاست خارجی قدرتها امپریالیستی و بویژه آمریکا معرفی شده است. این تبلیغات عوامفریبانه البته تأثیرات خود را به جای گذاشته تا آنجا که باعث شده تا برخی از نیروهای ضد انقلابی و مرتجع - که همیشه چشم به بالابینها و منابع قدرت دارند- و همچنین برخی از ساده اندیشان با باور کارزار تبلیغاتی دولت آمریکا و امید به ظهور دست غیبی امپریالیستها برای تغییر این رژیم، به تکرار آن تبلیغات پوچ بپردازند و در ماه های اخیر نیز هر بار که دامنه تبلیغات آمریکا و شرکا در این زمینه بالا گرفته آنها با شادی تمام از عزم دولت آمریکا برای برانداختن جمهوری اسلامی سخن گفته اند.

اما اگر لحظه ای همه تبلیغات فریبکارانه فوق را به کناری نهیم و به واقعیت بنگریم، آنگاه خواهیم دید که بر عکس تبلیغات امپریالیستی، در عمل، این دولتها در حالی که در ۳۰ سال گذشته از بذل هیچ گونه حمایتی در حفظ رژیم جمهوری اسلامی و سلطه آن بر حیات کارگران و زحمتکشان ما خود داری نکرده اند، امروز نیز در ادامه همان سیاست ضد خلقی در شرایطی که ۸ ماه است که جنبش توده های به پاخته به مثابه تهدیدی جدی حیات حکومت را به خطر انداخته، امپریالیستها و کارشناسانشان، برغم برخی ظاهر سازیهای تبلیغاتی و ادعای

مخالفت با نظام جمهوری اسلامی، به دست و پا افتاده و از هیچ کاری در جهت ایجاد یک پوشش حفاظتی حول رژیم و حفظ و تداوم سلطه ننگین این حکومت بر مردم ما خودداری نمی کنند. در نتیجه ما شاهدیم در حالی که تداوم و اوج یابی اعتراضات مردمی برای سرنگونی جمهوری اسلامی نور امید نابودی یک دیکتاتوری خون آشام را نه تنها در دل مردم ایران بلکه در دل تمام نیروهای آزادیخواه و افکار عمومی دنیا برانگیخته، مقامات آمریکایی با این پیامها که دولت اوپاما خواهان رسیدن به "توافق" با دولت محمود احمدی نژاد در زمینه مسایل هسته ای" است، عملاً بر خلاف خواست اکثریت مردم تحت ستم ایران که با همه وجود و با از خودگذشتگی تمام و با ریخته شدن خون خویش در جهت سرنگونی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی، رژیمی مخالف "آزادی" و "دمکراسی"، مخالف ارزشهای دموکراتیک غرب" و "ناقص حقوق بشر و حامی تروریسم"، مبارزه می کنند، در جهت حفظ این رژیم کوشیده و از به اصطلاح رسیدن به توافق در مورد مسایل هسته ای با آن دم می زنند؛ و البته در تداوم سیاست فریب مردم این را نیز اضافه می کنند که گویا در عین حال نگران "تأثیر منفی" احتمالی این امر بر جنبش سبز در ایران" نیز می باشند.

این برخورد که آنها به رژیم جمهوری اسلامی اطمینان می دهند که نه در پی سرنگونی آن بلکه برغم "شکاف" بزرگی که برداشته، بدنبال مذاکره با این رژیم سرتا پا ارتجاعی و حفظ آن هستند، نشان می دهد که منافع واقعی و نه ادعایی قدرتها امپریالیستی در حفظ و حمایت از رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد، رژیمی که در طول ۳۰ سال گذشته ماموریت حراست از نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در ایران و تضمین و تامین منافع انحصارات امپریالیستی در ایران و منطقه را بر عهده داشته است. واقعیت این است که اگر منافع استراتژیک قدرتها امپریالیستی و بالنتیجه حمایت همه جانبه آنها از دیکتاتوری حاکم بر ایران مطرح نبود، با توجه به شدت تنفر و خشم مردم از رژیم

جمهوری اسلامی و مبارزه بی امانی که علیرغم همه سرکوب ها بر علیه آن از طرف مردم جریان داشته است، این رژیم حتی یک روز هم نمی توانست در حکومت باقی بماند. در واقع اگر رژیم جمهوری اسلامی به قول معروف "رژیم مطلوب" قدرت های خارجی (امپریالیستها) نبود، حتی اگر در طول سه دهه گذشته و در شرایط بحرانی چند بار به قدرت توده ها از بین نرفته بود، از طریق یکی از انقلابهای رنگین امپریالیستی، جای خود را به رژیم "مطلوب" امپریالیستها داده بود.

همه می دانند که در جریان سقوط شوروی سابق و افکار این قدرت امپریالیستی، دولت آمریکا به کمک سایر شرکا هجوم گسترده ای را به بازارهای شوروی در اروپای شرقی سازمان داده و برای تامین منافع اقتصادی و سیاسی خویش در این مناطق که تا اوایل دهه ۹۰ در کنترل شوروی قرار داشت با پیشروی تمام و صرف منابع مادی و تبلیغاتی بسیار حتی "انقلابهای رنگین" سازمان دادند. آنها به چنین کارهائی دست زدند تا در کشورهائی که قدرت امپریالیستی رقیب در آنجا ها در حال فروپاشی بود، رژیمهای جدید دلخواه خود را بر سر کار بیاورد و از این طریق منافع اقتصادی سیاسی خویش را در این مناطق تامین کرده و سلطه خویش برجان مال کارگران و خلقهای تحت ستم دنیا را گسترش دهد. در پرتو پیشبرد این سیاست بود که ما شاهد وقوع غیر مترقبه باصطلاح انقلاباتی نظیر "انقلاب گل رز" در گرجستان، "انقلاب گل لاله" در قرقیزستان و انقلاب نارنجی در اوکراین و ... بودیم که در جریان آن حکومتهای دست نشانده و وفادار به شوروی سابق زیر نام "انقلاب" و تعویض "دیکتاتوری" با "دمکراسی" جای خود را به مهره های دلخواه دولت آمریکا و شرکا دادند. ولی اگر در ایران چنین اتفاقی برغم انتظار برخی نیروها نمی افتد دقیقاً به این خاطر است که اصولاً منافع اقتصادی - سیاسی آمریکا و شرکا در ایران توسط جمهوری اسلامی ضد خلقی تامین می گردد. در حقیقت اگر به منافع قدرتهای



امپریالیستی در ایران توجه کنیم و در همان حال اعمال و پراتیک ۲۰ ساله جمهوری اسلامی را در ایران و منطقه بررسی کنیم، آنگاه تصویر رابطه واقعی بین جمهوری اسلامی و امپریالیستها به مثابه یک رژیم وابسته به قدرتهای امپریالیستی را با وضوح کامل در آن مشاهده خواهیم کرد.

واقعیت این است که روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران حاصل توافقات امپریالیست ها در کنفرانس گوادولوپ بود. در شرایط خاصی که در آن زمان در ایران و در سطح جهان وجود داشت انتظار امپریالیست ها از این رژیم دست ساز خویش، آن بود که اولاً جنبش کمونیستی و انقلاب ضد امپریالیستی توده های مبارز ما در سالهای ۵۷ را با قدرت (بخوان با وحشیگری تمام) سرکوب و به خاک و خون کشد و از طرف دیگر این رژیم می بایست نقش "کمربند سبز" آمریکا در مقابل شوروی را نیز بازی می کرد. جمهوری اسلامی به قیمت قرار گرفتن در مقابل توده های عظیم مردم ایران در شرایطی که خیلی ها هم نسبت به ماهیت آن دچار توهم بودند و با جلب نفرت شدید مردم نسبت به خود، خواستهای امپریالیستی فوق را انجام داد. بر این روال، آتش بیاری در جریان ۸ سال جنگ ارتجاعی با عراق که نتیجه ای جز رنج و مرگ توده ها و سندهای بادآورده برای انحصارات نظامی و

دول امپریالیستی نداشت، اعلام دوره بازسازی و باز کردن هر چه بیشتر حوزه های اقتصادی برای غارت امپریالیستها و تشدید استثمار توده ها توسط سرمایه دارن خارجی و داخلی، سرکوب بلا وقفه جنبشهای طبقه کارگر و توده های محروم در ۳۰ سال گذشته، سیاستهای رژیم در بازارهای انرژی که تنها و تنها در جهت منافع کمپانیهای نفتی امپریالیستی سازماندهی و به اجرا در آمده، تغذیه "بنیاد گرایی اسلامی" به مثابه یک سیاست مخرب و ضد خلقی مطلوب جناحهای جنگ افروز امپریالیستی در لبنان، افغانستان، عراق، یوسنی و ... ، پیشبرد تدریجی ولی پیگیر و بلاوقفه سیاستهای امپریالیستی چه در ایران و چه در سطح منطقه، همه و همه نشان می دهند که جمهوری اسلامی در طول ۲۰ سال گذشته در شرایط شدت بحران گریبانگیر نظام امپریالیستی در سطح جهانی، لحظه ای از خدمت به قدرتهای امپریالیستی و تلاش برای حفظ نظام استثمارگرانه حاکم و تامین منافع آنها کوتاهی نکرده است. براستی کدام رژیم منفور، ضد خلقی و ضد کارگری، زن ستیز و ارتجاعی، و تبهکار به جز یک رژیم سراپا وابسته به امپریالیستها قادر بود چنین خدمات گرانبهایی در حق سرمایه داران جهانی و قدرتهای امپریالیستی انجام دهد؟! و درست به خاطر بر آورده کردن چنان هدف های شوم، جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی مردم ما را در این ابعاد به خاک

و خون بکشد و وحشیانه سرکوب کند؟! درست به همین دلیل ساده اما محکم است که **امپریالیستها همانگونه که در ۳۰ سال گذشته نشان داده اند از این رژیم ننگ و جنایت و ضد هر گونه آزادی و دموکراسی حمایت و پشتیبانی نموده و امروز هم تا آنجا که به حیطة انتخاب و نوان آنان بر می گردد، به هیچ وجه نمی خواهند و منافعشان ایجاب نمی کند که جمهوری اسلامی، این رژیم مطلوب و دلخواه امپریالیست ها که نه فقط در ایران بلکه در سطح جهان منافع آنان را تدمین می کند، از میان برود.**

درک این واقعیت، وظایف مبارزاتی مشخصی را در پیشروی توده های به پا خاسته و بویژه جوانان مبارز و آگاه قرار می دهد. مهمترین این وظایف عبارت از این است که جوانان ما نباید فریب تبلیغات امپریالیستها و مرتجعین و دوستان نادان خلق را بخورند و بدانند که آزادی و رهایی واقعی نه از آسمان و با اراده قدرتهای امپریالیستی بلکه تنها و تنها به همت نیروی مبارزاتی و جنبش انقلابی خود آنان بدست خواهد آمد. این واقعیت را تمامی تجارب تاریخی و مبارزاتی نیز نشان داده که تنها با اتکا به نیروی لایزال توده های ستمکش است که امکان پیشرفت مبارزه و کامیابی و پیروزی جنبش آنان در مقابل دشمنانشان برای رسیدن به آزادی و دموکراسی وجود دارد.

جمهوری اسلامی و هراس از بحران کارگری... از صفحه ۱

فرجام سقوط در گرداب گرسنگی و نابودی سوق داده، و از سوی دیگر نگرانی مقامات ضد خلقی رژیم از عواقب سیاسی و اجتماعی این روند را برانگیخته است. تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تأثیرات ورشکستگی روزافزون واحد های تولیدی، به گونه ای مهیب بر ابعاد بیکاری کارگران افزوده است. مطابق برخی آمار رسمی و اظهارات مقامات رژیم (که بنا به طبیعت این رژیم بیانگر تمام حقیقت نیست) در ماه های اخیر ۲۵۵ واحد تولیدی دیگر به هزاران واحد تولیدی ورشکسته اضافه شده است و این در شرایطی ست که مطابق "هشدار" های مقامات حکومت ۵۰٪ کل واحدهای تولیدی ایران "ورشکسته و تعطیل" شده اند و ۵۰٪ باقی مانده تنها با ۲۰٪ ظرفیت خود کار می کنند. مطابق همین گزارشات هم اکنون ۱۸ درصد نیروی فعال جامعه تحت سلطه ما یعنی ۴ میلیون نفر بیکار هستند و ۸۷ درصد کل جوانان بین ۱۶ تا ۳۰ سال ایران فاقد شغل می باشند. البته برای تکمیل این تصویر اسفبار باید اشاره کرد که صد ها هزار تن از کارگرانی که ظاهراً دارای شغل هستند نیز بدلیل سیاستهای سود جویانه و ضد خلقی کارفرمایان دولتی و سرمایه داران رذل و چپاولگر ماه ها بدون حقوق به کار ادامه داده و در حقیقت به بیکاری مشغولند.

بدون شک چنین اوضاع اسفباری بطور طبیعی خشم و نفرت روزافزون کارگران و توده های محروم و بویژه جوانان را برانگیخته و به همین دلیل است که ماشاهدیم کارگران بیکار و جوانان محروم بویژه در جنوب شهر تهران به طور فعال در پیشاپیش صفوف خیزشهای توده ای اخیر به اعتراض به رژیم و دیکتاتوری حاکم پرداخته و با استفاده از هر وسیله ای خشم و قهر انقلابی خود بر علیه نیروهای سرکوب حکومت و هر آنچه که نشانی از این نظام ستمگرانه ظالم دارد را به نمایش گذارده اند. امری که با نگرانی و دلواپسی مقامات ضد خلقی جمهوری اسلامی روبرو شده و آنان را برای یافتن راه هایی به منظور جلوگیری از فوران بیشتر انرژی عظیم و دورانساز مبارزاتی کارگران و زحمتکشان به تکاپو واداشته است.



یدالله خسرو شاهی

درگذشت!

روز پنج شنبه ۲ فوریه یدالله خسرو شاهی یکی از فعالین کارگری، بدنبال سکنه مغزی در یکی از بیمارستانهای شهر لندن درگذشت. یدالله خسرو شاهی یکی از کارگران پیشرو در بالابینگاه نفت آبادان در زمان رژیم شاه بود که دلیل فعالیتهای صنفی و سیاسی اش توسط دژخیمان رژیم شاه دستگیر و به زندان افتاد. با آزادی زندانیان سیاسی در اثر انقلاب توده ها در سال ۵۷، یدالله نیز از زندان آزاد شد. در همان سال وی به حمایت از "سازمان چریکهای فدائی خلق" پرداخت و در جریان انشعاب در این سازمان به بخش "اکثریت" که از رژیم جمهوری اسلامی طرفداری می کرد، پیوست. با یورش رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در سال ۶۰ به تشکل های کارگری و سرکوب و حشیانه تمامی تشکلهای صنفی غیر دولتی، یدالله خسرو شاهی نیز در سال ۱۳۶۱ دوباره دستگیر و این بار چند سال در زندانهای جمهوری اسلامی به سر برد. بدنبال آزادی از زندان و خروج از کشور یدالله دیگر با اکثریت همکاری نکرده و به بازی تعدادی از همفکرانش "انجمن کارگران تبعیدی" را شکل داد. هر چند انجمن مزبور نتوانست ادامه کاری داشته باشد ولی یدالله فعالیتهای خود را تا زمان مرگ به عنوان یک فعال کارگری بر مبنای نظرات و دیدگاه های خویش در تبعید ادامه داد.

درگذشت یدالله خسرو شاهی را به خانواده و بستگان وی تسلیت گفته و امیدواریم که آرزوی همیشگی او در سالهای تبعید، یعنی سرنگونی رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی هر چه زودتر به واقعیت بیوندد.

۸ فوریه ۲۰۱۰

گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن

در حمایت از مبارزات قهرمانانه زنان مبارز ایران
در مبارزه برای نابودی کلیت رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی

اتحاد زنان آزادیخواه برگزار میکند:

زنان ایران در بطن خیزشهای توده ای اخیر - سارا نیکو
بررسی برخی از نظرات انحرافی در جنبش زنان - سهیلا دهماسی

شعرخوانی ایرج جنتی عطایی شاعر و ترانه سرای مبارز

ترانه سرودهای محلی گیلکی - نصیر گیلانی

نمایش ویدئویی از مبارزات اخیر زنان

ترانه سرود با صدای گرم ناهید

سرودهای انقلابی آمریکای لاتین با گیتار سیلویا

زمان: ساعت ۶ بعد از ظهر شنبه ۱۳ مارس ۲۰۱۰

مکان: Islington Central Library

Large Hall

2 Fieldway Crescent

London N5 1PF

از دیکترین ایستگاه قطار: Holloway Rd (Piccadilly Line)



اتحاد زنان آزادیخواه

عذا و نوشدنی مهیاست

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

آدرس پست الکترونیک: ipfg@hotmail.com

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

